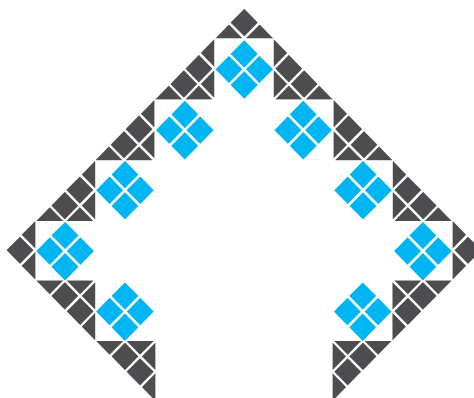


واکاوی رهیافت‌های پیشگیری کیفری از وقوع جرایم جنسی در قرآن کریم



حجت‌الاسلام و المسلمین احمد رضا پور خاقان شاه‌رضایی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

چکیده

یکی از انواع پیشگیری از جرم، پیشگیری کیفری است که در مقابل پیشگیری غیر کیفری قرار دارد. این نوع پیشگیری صرفاً مبارزه با معلول است و ریشه‌های عوامل وقوع جرم را نمی‌خشکاند. می‌توان گفت تنها دستاورد آن ایجاد رعب و وحشت در بزهکاری و جلوگیری از تمایل مجدد وی نسبت به ارتکاب بزه از یک‌سو و عبرت‌آموزی برای دیگران از سرنوشت بزهکار می‌باشد.

با بررسی آیات قرآن کریم ملاحظه می‌گردد اسلام تمام تلاش خود را بر پیشگیری از وقوع جرم قرار داده، اما در نهایت وقتی هیچ‌یک از راه‌کارها نتواند مؤثر واقع شود، نمی‌توان مرتکب را به حال خود رها کرد و در واقع عدالت اجتماعی و کیفری اقتضا می‌کند بزهکار به سزای عملی که مرتکب شده برسد تا هم برای فرد مانع از تکرار بزه گردد و هم درس عبرتی برای جامعه باشد؛ از این رو در این مقاله که به صورت توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تحریر شده است؛ به بررسی جنبه‌های پیشگیرانه کیفری پیرامون جرایم جنسی در قرآن کریم اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: پیشگیری کیفری، قرآن کریم، حد، جرایم جنسی



درآمد

مجازات‌های اسلام بر دو قسم مقدر و غیر مقدر است. منظور از مقدر حدود اسلامی می‌باشد که نوع و میزان آن مشخص است و حاکم اسلامی نمی‌تواند بنا بر رأی و نظر خود آن را کم یا زیاد کند؛ مثل حد زنا یا غیرمحصن که یکصد ضربه تازیانه است و حاکم نمی‌تواند به جای یکصد تازیانه زانی را به هشتاد ضربه مجازات کند، یا به جای جلد او را زندان نماید، مرحوم صاحب جواهر در تعریف حد چنین آورده است: «هر عملی که مجازات آن (در شرع) معین گردیده (آن مجازات) حد نامیده می‌شود»^(۱) (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱: ۲۵۴) و در ماده ۱۳ از قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: «حد، به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است» (شهری و غیره، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۷۲) و منظور از غیرمقدر مجازاتی است که نوع و میزان آن مشخص نباشد. مرحوم صاحب جواهر در ادامه تعریف حد می‌فرماید: «و آنچه این گونه نیست تعزیر نامیده می‌شود»^(۲) (نجفی، پیشین، ج ۴۱: ۲۵۴)؛ مثل کسی که مرتکب فعل حرامی شود که در شرع برای آن حد مشخص نشده باشد و مانند آن را مرحوم امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله آورده‌اند: «و اگر حرامی را مرتکب شود که شارع مقدس برای مرتکب آن حدی معین نکرده باشد در صورتی که با علم به حرمت آن را حلال بداند تعزیر می‌شود»^(۳) (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۱). همان گونه که ملاحظه می‌کنید فقط فرموده تعزیر می‌گردد؛ ولی نوع و میزان تعزیر را مشخص نکرده است. در این مقاله در دو

بخش کلی به تبیین مجازات‌های مقدر و غیر مقدر و تأثیر آن بر پیشگیری از وقوع جرایم جنسی اشاره خواهد شد.

۱- مجازات‌های مقدر (حدود)

۱-۱- زنا

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره نور، آیه ۲)؛ «زن و مرد زناکار را هر یکصد ضربه بزنید و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، مبدا که در حکم خدا نسبت به آن دو دستخوش ترحم گردید؛ و باید که به هنگام شکنجه «مجازات» کردنشان گروهی از مؤمنان حاضر باشند».

یکی از جرایم جنسی که در قرآن کریم بر آن تصریح شده، زنا می‌باشد و آن عبارت است از آنکه: «مردی آلت تناسلی اصلی خود را در فرج زنی داخل کند که به خودی خود بر او حرام است، بدون اینکه او را به عقد دائم یا موقت خود درآورده باشد و...»^(۴) (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲: ۴۵۵) خداوند متعال در آیه ۲ از سوره مبارکه نور، مجازات این عمل را برای مرد و زن به صورت مساوی یکصد ضربه تازیانه دانسته و البته در اینجا به نوع زنا اشاره نگردیده و حال آنکه با مراجعه به کتب فقهی در باب حدود ملاحظه می‌گردد مجازات این عمل منحصر در تازیانه نمی‌باشد و حسب مورد مجازات قتل اعم از رجم و اعدام نیز برای آن مقرر گردیده است. در تفسیر نور چنین آمده است: «احکام زنا بر اساس شرایط افراد متفاوت می‌شود، در این آیه فقط به یک صورت اشاره شده که اگر مرد با زن مجردی زنا کند

صد تازیانه می‌خورد، ولی اگر کسی با داشتن همسر و دسترسی به او مرتکب زنا شود رجم و سنگسار می‌گردد» (قرائتی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۱۴۳). زنا حسب شرایط مرتکب، دارای اقسامی به شرح ذیل است.

الف- حد جلد

در خصوص معنای جلد در لغت چنین آمده است: جلد عبارت است از: تازیانه زدن (بند ریگی، ۱۳۷۴: ۷۱). در ضمن به تازیانه‌ای که وسیله اجرای حد جلد باشد سوط گفته می‌شود. السوط،^(۵) یعنی پوست و چرمی نازک و به هم تابیده و بافته شده که با آن کسی را می‌زنند (خسروی حسینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۷۹) و در قاموس قرآن چنین آمده است: «سوط، شلاق که از پوست بافند. اصل آن به معنی آمیختن است و علت این تسمیه آن است که تارهای شلاق بر هم آمیخته و مخلوط است» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۵۳). از نظر فقهی حد جلد مجازات شلاق است که برای پاره‌ای از جرایم مقدر و معین گردیده است. با بررسی کتب فقهی ملاحظه می‌گردد مجازات زنا در سه مورد حد جلد می‌باشد. البته این حد در چند مورد به صورت توأمان با سایر حدود مانند رجم و قتل در خصوص بعضی از اقسام زنا اجرا می‌شود که در آینده به آن خواهیم پرداخت؛ اما مواردی که در امر زنا مجازات آن فقط جلد می‌باشد عبارت‌اند از: ۱- مرد غیرمحصن^(۶) (بند ریگی، پیشین: ۱۰۱)؛ ۲- زن غیر محصنه^(۷) (همان)؛ ۳- زن محصنه در صورتی که طفل با او زنا کند.

در این خصوص مرحوم امام (ره) می‌فرماید: «قسم سوم - از اقسام حد

تازیانه تنها است، که بر چند طایفه جاری است؛ اول، بر مرد زناکاری که عذب باشد؛ یعنی همسر نداشته باشد و نتواند همسر بگیرد (غیرمحسن)؛^(۸) دوم، بر زن عاقل و بالغی که طفلی با او زنا کرده باشد که این زن تنها تازیانه می‌خورد چه شوهر داشته باشد و چه عذب باشد؛ سوم، بر زنی غیر محصنه که به مردی زنا داده باشد»^(۹) (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲: ۴۶۳).

ب- حد رجم

«مَا أَتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (سوره حشر، آیه ۷)؛ «هر چه پیامبر به شما داد بستانید و از هر چه شما را منع کرد اجتناب کنید». «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۵)؛ «و از زنان شما آنان که مرتکب فحشا می‌شوند، از چهار تن از خودتان بر ضد آنها شهادت بخواهید. اگر شهادت دادند زنان را در خانه محبوس دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی پیش پایشان نهد».

در ترجمه منجد الطلاب چنین آمده است: «رجم به معنای سنگسار کردن، سنگ، تهمت، نفرین کردن، دور کردن و طرد کردن ذکر شده، همچنین به معنای از روی حدس و گمان سخن گفتن نیز می‌باشد» (بندریگی، پیشین: ۱۸۴-۱۸۳) و در ترجمه مفردات چنین آمده است: «الرجام سنگ و رجم سنگ انداختن و رجم یعنی سنگسار شد. سپس اضافه کرده: واژه رجم یعنی سنگ انداختن به طور استعاره درباره گمان بد بردن به کسی یا توهم و پندار

و یا ناسزاگویی و طرد کردن به کار رفته است» (خسروی حسینی، پیشین، ج ۲: ۵۳) و با توجه به معنای اراده شده از رجم در خصوص مجازات زانی و زانیه، در تمام کتب فقهی ملاحظه می‌گردد رجم به معنای سنگسار آمده است و در لسان العرب چنین آمده است: «الرجم القتل»؛ «رجم مترادف با قتل است» (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۲۷). باید دانست در قرآن کریم آیه‌ای که به صراحت بر رجم زانی و زانیه دلالت داشته باشد وجود ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵: ۱۶۱)؛ اما از سایر منابع فقهی و روایی می‌توان به صحت این مجازات پی برد.

پ- حد قتل

بر اساس آنچه در کتب فقهی آمده است، مجازات بعضی از اقسام زنا قتل است و این حد بر چهار طائفه جاری می‌گردد: (۱) زنا با محارم نسبی؛ (۲) زنا با کافر ذمی با زن مسلمان؛ (۳) زنا با علف؛ (۴) تکرار حد جلد در مرحله سوم یا چهارم بنا بر اختلاف فتوا. از آنچه گذشت جنبه بازدارندگی مجازات به خوبی قابل درک است؛ زیرا اگر زانی علی‌رغم تحمل مجازات شلاق از گذشته خود پشیمان نشود و یا مجازات نتواند مانع از بازگشت مجدد وی به آن گناه بزرگ شود یک‌مرتبه دیگر به او فرصت داده می‌شود با تحمل مجازات شلاق از ارتکاب مجدد چنین عملی پرهیز کند و اگر برای بار سوم مجدداً دست به چنین گناه بزرگی زد به لحاظ احتیاط در حفظ دماء مسلمین و اینکه شاید عوامل جانبی باعث تحریک وی به ارتکاب مجدد گناه شده باشد یک مرتبه دیگر ضمن اجرای حد شلاق

به وی اجازه داده می‌شود به زندگی خود ادامه دهد؛ اما چنانچه بعد از سه بار اجرای حد شلاق او همچنان بر ارتکاب زنا اصرار داشته باشد مشخص می‌گردد وی به این عمل عادت کرده و اجرای مجازات شلاق نمی‌تواند او را اصلاح کند و از طرفی جامعه با دیدن وی ممکن است دچار بدآموزی شود و از مجازات وی منتبه نگردد؛ چون با خود قضاوت می‌کند لابد لذت زنا خیلی بالا می‌باشد که فرد حاضر است برای ارتکاب آن چندین مرتبه شلاق بخورد و کم کم ممکن است به این نتیجه برسد که اجرای شلاق نمی‌تواند مانع از تکرار زنا شود؛ بنابراین با قرار دادن حکم قتل در مرتبه چهارم ضمن اینکه به جامعه هشدار می‌دهد احکام دین با کسی شوخی ندارد، با اعدام فرد مبتلا به این گناه بزرگ که ارتکاب آن برایش به صورت عادت درآمده اجتماع را از وجود چنین افرادی پاک می‌سازد.

بنا بر نص آیه ۲ از سوره مبارکه نور که می‌فرماید: «...و باید گروهی از مؤمنان مجازات آن دو را مشاهده نمایند». اجرای حد باید در مقابل چشم دیگران باشد؛ یعنی حداقل بنا بر احتیاط سه نفر حضور داشته باشند. در این خصوص امام خمینی چنین آورده است: «و احتیاط آن است که طایفه‌ای از مؤمنین که حداقل سه نفر باشند حاضر شوند»^(۱۰) (موسوی خمینی، پیشین: ۴۶۶) و برای مرد حد جلد به صورت عریان (به جز ستر عورت) در حالتی که وی ایستاده است اجرا می‌گردد و ضربات شلاق با شدت هرچه تمام‌تر بر بدن وی از بالا تا پایین نواخته می‌شود. البته با پرهیز از برخورد تازیانه به سر و صورت و عورت



و در این صورت حتی اگر در اثر شدت ضربات شلاق فوت نماید ضارب ضامن نیست. مرحوم امام خمینی (ره) در این خصوص چنین آورده است: «مرد زناکار را در حالی که ایستاده و بدنش از لباس عریان شده باشد حد می‌زنند و به جز ساتر عورت لباسی در تن او نباید باشد و شلاق را با شدیدترین ضربت بر بدنش وارد می‌آورند و تعداد شلاق‌ها را بر بدن او تقسیم می‌کنند و از بالا به طرف پایین می‌آیند و مواظبت می‌کنند که به سر، صورت و عورت او برخورد نکند و اما زن را در حالی که نشسته است حد می‌زنند و لباس‌هایش را بر بدن می‌پیچند و اگر تازیانه‌ها مرتکب زنا را به هلاکت رساند کسی ضامن خون‌بهایش نیست»^(۱۱) (همان). ماده ۱۰۰ از قانون مجازات اسلامی بر همین مسئله تأکید کرده است. نکته قابل توجهی که در این آیه به چشم می‌خورد، آشکار بودن مجازات است. علی‌رغم اینکه خداوند متعال ستار الذنوب است و آبروی بندگان خود را حفظ می‌کند؛ اسلام با کسانی که به ترویج این گونه خبرها در جامعه دامن می‌زند برخورد سختی می‌نماید، در اینجا به صراحت مقرر می‌دارد عده‌ای از مؤمنان مجازات مرد و زن زناکار را مشاهده کنند. البته آیه دلالت بر اجرای حکم در ملأ عام ندارد، هرچند مجوزی بر این امر می‌باشد. با تأمل در این آیه می‌توان به این نتیجه رسید که اجرای حد زنا در حضور دیگران می‌تواند دو اثر بازدارنده داشته باشد:

۱) نسبت به تماشاچیان؛ زیرا وقتی ایشان شدت مجازات زانی را که باید برهنه و در مقابل چشم دیگران ضربات شدید تازیانه را تحمل کند می‌بینند

خود به خود این نگاه می‌تواند اثری عمیق بر رفتار آینده آنها بگذارد. در این خصوص البیوت ارونسون روانشناس معروف اجتماعی معتقد است: «ما تحت تأثیر چشمان خود هستیم» (ارونسون، ۱۳۸۶: ۴۰۱).

در واقع به دو دلیل اجرای حد در مقابل چشم دیگران موجب بازدارندگی ایشان از ارتکاب جرایم جنسی می‌شود؛ اول، به خاطر مشاهده شدت مجازات، دوم، به خاطر حفظ آبرو.

۲) نسبت به شخص مجرم؛ زیرا علاوه بر آنکه وی درد شدید ناشی از اجرای حد را متحمل می‌گردد، از نظر روحی نیز چون این مجازات در مقابل چشم دیگران اجرا می‌شود بر وی فشار مضاعف وارد می‌گردد؛ چون اولاً، غرور او در بین ناظرین شکسته می‌شود و چه‌بسا ایشان این صحنه را برای او بازگو کنند و به رخ او بکشند؛ ثانیاً، این امر موجب خدشه‌دار شدن آبروی وی می‌گردد.

در این خصوص در تفسیر نمونه چنین آمده است: «فلسفه این که روشن است؛ زیرا همان گونه که گفتیم؛ اولاً، درس عبرتی برای همگان و سبب پاک‌سازی اجتماع است؛ ثانیاً، شرمساری مجرم مانع ارتکاب جرم در آینده خواهد شد؛ ثالثاً، هرگاه اجرای حد در حضور جمعی انجام شود... منجر به سازش یا اخذ رشوه یا تبعیض یا شکنجه دادن و مانند آن نخواهد شد؛ رابعاً، حضور جمعیت مانع از خودکامگی و افراط و زیاده‌روی در اجرای حکم می‌گردد» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۳۶۵). البته وجوب علنی بودن مجازات و تعداد افراد حاضر در محل اجرای حد بین فقها اختلافی است.

ت- جلد و رجم

این نوع مجازات مربوط به پیرمرد و پیرزن زناکار می‌باشد، اگر شرایط احصان را دارا باشند. مرحوم امام (ره) در این خصوص می‌فرماید: «قسم چهارم از اقسام حد مواردی است که هم تازیانه باید بخورد و هم سنگسار شوند، که این حد پیرزن دارای شوهر و پیرمرد دارای همسری است که او با داشتن شوهر و این با داشتن زن مرتکب زنا شوند در این صورت ابتدا تازیانه می‌خورند و سپس سنگسار می‌شوند»^(۱۲) (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲: ۴۶۴-۴۶۳).

ث- جلد و تغریب و جزّ

حد شلاق و تبعید و تراشیدن سر در خصوص مرد متأهلی جاری می‌گردد که قبل از دخول مرتکب زنا شود. در این خصوص مرحوم امام خمینی (ره) می‌فرماید: «قسم پنجم - از اقسام حد، تازیانه و سر تراشیدن و تبعید کردن است و این عقوبت حد پسر بکر است؛ یعنی پسری که نامزدی عقد بسته دارد، لکن بنا بر اقرب هنوز بر او دخول نکرده باشد، این پسر اگر زنا کند؛ اول تازیانه‌اش می‌زنند و سپس سر او را می‌تراشند و در آخر او را به شهری دیگر تبعید می‌کنند»^(۱۳) (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲: ۴۶۶). ایشان در ادامه به تبیین جزّ^(۱۴) می‌پردازند و اضافه می‌کنند: «جزّ تراشیدن موی سر است و موی صورت و آبروی او را نباید تراشید و ظاهراً لازم است تمامی موی سر او را بتراشند و به تراشیدن موی جلوی سر اکتفاء نشود» (موسوی خمینی، همان).



۱-۲- لواط

«وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» (سوره اعراف، آیه ۸۰)؛ «و لوط را فرستادیم. آنگاه به قوم خود گفت: چرا کاری زشت می‌کنید که هیچ‌کس از مردم جهان پیش از شما نکرده است؟» «أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (سوره عنکبوت، آیه ۲۹) «آیا با مردان می‌آمیزید و راه‌ها «تولید مثل» را قطع می‌کنید و در محفل خود مرتکب کارهای ناپسند می‌شوید؟ جواب قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی عذاب خدا را بر سر ما بیاور».

لواط در لغت معنای خاصی ندارد. چون اصولاً فقط در شرع مقدس از آن لفظ استفاده شده و حتی در قرآن کریم نیز به آن اسم استعمال نگردیده؛ اما ریشه آن لاط یلوط به معنای چسبیدن به کار می‌رود؛ مانند آنچه در منجد الطلاب آمده: «لاط الشيء بقلبي یعنی چیزی به دلم چسبید و به آن علاقه‌مند شدم و لاط الانسان یعنی به او زد» (بندریگی، پیشین: ۵۱۶)؛ ولی از نظر فقهی عبارت از: نزدیکی جنسی دو انسان مذکر با یکدیگر است^(۱۵) (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲: ۴۶۹) و مرحوم محقق حلی در شرایع می‌فرماید: «اما لواط نزدیکی جنسی دو انسان مذکر با یکدیگر است اعم از آنکه دخول انجام شود، یا نشود»^(۱۶) (محقق حلی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۹۴۱). لواط بر دو قسم است: ایقابی و غیر ایقابی (تفخیز).

الف- لواط ایقابی

وقب در لغت بر گودی روی بدن دلالت می‌کند؛ مثل گودی کمر و ایقاب به معنای داخل کردن چیزی در وقبه است (بندریگی، پیشین: ۶۸۵) و از نظر فقهی لواط ایقابی به معنای داخل کردن قسمتی از ذکر است در دبر مذکر.



مجازات‌های اسلام بر دو قسم مقدر و غیر مقدر است. منظور از مقدر حدود اسلامی می‌باشد که نوع و میزان آن مشخص است و حاکم اسلامی نمی‌تواند بنا بر رأی و نظر خود آن را کم یا زیاد کند؛ مثل حد زنا غیرمحصن که یکصد ضربه تازیانه است و حاکم نمی‌تواند به جای یکصد تازیانه زانی را به هشتاد ضربه مجازات کند یا به جای جلد او را زندان نماید.



ب- لواط غیر ایقابی

در این خصوص مرحوم امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر هم‌جنس بازی به دخول کشیده نشود؛ مثلاً به ران یا سرین او اکتفا کرده باشد، حدش صد تازیانه است و در این حکم فرقی نیست بین اینکه زن داشته باشند یا نداشته باشند»^(۱۷) (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲: ۴۷۰) و در قانون مجازات اسلامی ماده ۱۲۱ چنین آمده است: «تفخیز و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یکصد تازیانه است» (شهری و غیره، پیشین، ج ۱: ۸۵۸).

۱-۳- مساحقه

«وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (سوره مؤمنون، آیه ۷-۵)؛ «و آنان که شرمگاه خود را نگه می‌دارند، جز بر همسران یا کنیزان خویش، البته در نزدیکی با آنان مورد ملامت قرار نمی‌گیرند و کسانی که غیر از این دو بجویند از حد خویش تجاوز کرده‌اند».

از نظر فقهی مساحقه عبارت است از: هم‌جنس بازی بین دو زن به گونه‌ای که آلت خود را به یکدیگر بمالند، «سحق مالیده شدن فرج زن به فرج زنی دیگر است»^(۱۸) (عاملی، ۱۴۱۳: ۴۹۲) و مرحوم امام خمینی (ره) در این خصوص چنین آورده است: «مساحقه که عملی نظیر لواط است و بین دو زن اتفاق می‌افتد ثابت می‌شود به همان راههایی که لواط با آن راه‌ها ثابت می‌شد»^(۱۹) (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲: ۴۷۰).

مرحوم محقق حلی (ره) در این باره می‌فرماید: «حد مساحقه برای فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است، اعم از آنکه آزاد باشند یا بنده، مسلمان باشند یا کافر، محصنه باشند یا غیر محصنه»^(۲۰) (محقق حلی، پیشین، ج ۴: ۹۴۲).

در ماده ۱۹۲ از قانون مجازات اسلامی در این خصوص چنین آمده است: «حد مساحقه برای هر یک از طرفین صد تازیانه است» (شهری و غیره، پیشین، ج ۱: ۸۵۹) و در ماده ۱۳۰ چنین آمده است: «حد مساحقه درباره کسی ثابت می‌شود که بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد باشد. تبصره- در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست» (همان).



۲-۳- خود ارضائی

یکی دیگر از جرایم جنسی که در شارع مقدس اسلام برای آن مجازات تعیین گردیده استمناء یا همان خود ارضائی است و آن عبارت است از: «بازی کردن با اعضاء بدن خود، خصوصاً آلت جنسی تا آنکه منی از آن خارج شود»^(۲۶) (همان). لازم به ذکر است خود ارضائی در قوانین کیفری ایران جرم انگاری نشده است؛ اما با توجه به ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی می‌توان آن را از جمله جرایم جنسی دانست.

۲-۴- روابط نامشروع جنسی (دون زنا)

با توجه به آیه هفتم از سوره مبارکه مؤمنون که پس از بیان راهکار مشروع ارضاء غریزه جنسی هر نوع بهره‌مندی جنسی دیگر را تجاوز از حدود الهی دانسته است؛ «و کسانی که غیر از این بجویند از حد خویش تجاوز کرده‌اند»^(۲۷) (سوره مؤمنون، آیه ۷) و تجاوز از حدود الهی به لحاظ آنکه نافرمانی از دستور خدا می‌باشد حرام است؛ بنابراین روابط نامشروع جنسی مادون زنا نیز حرام است و چنانچه مجازات مقدری برای آن در شرع تعیین نشده باشد مرتکب آن مستحق تعزیر است. همچنین در ماده ۶۳۷ از قانون مجازات اسلامی رابطه نامشروع مادون زنا جرم‌انگاری گردیده و چنین آمده است: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با علف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود» (شهری و غیره، پیشین، ج ۱: ۱۰۶۱-۱۰۶۲).

در ماده ۱۲۳ از قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: «هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت در زیر یک پوشش به طور برهنه قرار گیرند هر دو تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند» (شهری و غیره، پیشین، ج ۱: ۸۵۹) و در ماده ۱۳۴ از قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: «اگر دو نفر زن اجنبی با یکدیگر زیر لحاف برهنه دیده شوند حاکم به هر یک از آن دو تازیانه‌هایی کمتر از حد می‌زند و نزدیک‌تر به احتیاط آن است که نود و نه تازیانه بزند» (همان: ۸۶۰).

۲-۲- بوسیدن از روی شهوت

یکی دیگر از جرایم جنسی که در شرع مقدس اسلام برای آن مجازات تعیین شده است و می‌تواند در تحریک انسان نسبت به ارتکاب جرایم جنسی بزرگتر مؤثر باشد، بوسیدن از روی شهوت است و دلیل قرآنی آن دستور اطاعت عامی است که در آیات ۷ از سوره مبارکه حشر و ۵۹ از سوره مبارکه نساء از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام آمده و روایاتی است که در این باب وارد شده است. در این خصوص مرحوم شهید ثانی در مسالک می‌فرماید: «همچنین کسی که پسرپچه‌ای را (از روی شهوت) ببوسد تعزیر می‌گردد»^(۲۵) (عاملی، پیشین: ۴۱۲). وی سپس اضافه می‌کند وجهی برای مقید ساختن حرمت به جایی که آن پسر محرم نباشد وجود ندارد؛ چون بوسیدن از روی شهوت مطلقاً حرام است (اعم از آنکه محرم باشد یا غیر محرم) (همان).

در خصوص مساحقه نیز در صورتی که سه مرتبه حد جاری شود، مرتکب در مرحله چهارم محکوم به قتل می‌گردد. مرحوم امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «اگر چند بار مساحقه کند و هر بار تازیانه آن را بخورد در نوبت چهارم حدش کشته شدن است»^(۲۱) (موسوی خمینی، پیشین).

۲- مجازات‌های غیر مقدر (تعزیر) ۲-۱- اجتماع دو نفر تحت لحاف واحد

یکی از احکام اسلام در خصوص پیشگیری از وقوع جرایم جنسی حکم بر مجازات دو نفری می‌باشد که بدون لباس به صورت عریان زیر یک روانداز قرار گیرند. دو نفر اعم از هم‌جنس و غیر هم‌جنس بدون آنکه به بدن یکدیگر نگاه کنند، بدون لباس، زیر یک لحاف قرار گیرند و بدن آنها با یکدیگر تماس نداشته باشد، در اینجا ایشان ابتدا به ساکن گناهی مرتکب نشده‌اند؛ اما شارع مقدس همین اندازه که ذکر شد را جرم و مرتکب را مستحق مجازات می‌داند و به نظر می‌رسد علت آن تحریک جنسی است که می‌تواند در اثر چنین رفتاری تحقق یابد»^(۲۲) (نجفی، پیشین، ج ۴۱: ۳۸۴) مرحوم صاحب جواهر در شرح شرایع الاسلام مجازات ایشان را بین ۳۰ الی ۹۹ ضربه شلاق آورده^(۲۳) (همان) و مرحوم امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: «اگر دو نفر زن اجنبیه با یکدیگر زیر یک لحاف برهنه دیده شوند حاکم به هر یک از آن دو تازیانه‌هایی کمتر از حد می‌زند و نزدیک‌تر به احتیاط آن است که نود و نه تازیانه بزند»^(۲۴) (موسوی خمینی، پیشین، ج ۲: ۴۷۱).

برآمد

پیشگیری کیفری صرفاً مبارزه با معلول است و ریشه‌های عوامل وقوع جرم را نمی‌خشکاند و تنها دستاورد پیشگیری کیفری ایجاد رعب و وحشت در بزهکار و جلوگیری از تمایل مجدد وی نسبت به ارتکاب بزه از یک‌سو و عبرت‌آموزی برای دیگران از سرنوشت بزهکار می‌باشد. اسلام با درک عمیق از غریزه جنسی انسان میان مجازات زناي فردی که دارای شرایط احسان است با غیر محصن تفاوت اساسی قائل شده است، تفاوتی بین مرگ و زندگی. از نظر اسلام چون لواط راه صحیح ارضاء غریزه جنسی نمی‌باشد، برای نوع ایقابی آن مجازات سنگین قتل مقرر گردیده است. از نظر اسلام مقدماتی که می‌تواند منجر به تحریک غریزه جنسی شود از قبیل قرار گرفتن تحت لحاف واحد و بوسیدن غیر همسر از روی شهوت ممنوع است و مرتکب تعزیر می‌گردد. با توجه به مجموع آنچه گذشت ملاحظه می‌گردد، از نظر اسلام مجازات آخرین راهکار است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- «كُلُّ مَالِهِ عَقُوبَةُ مَقْدَرِهِ يَسْمِي حُدًّا».
- ۲- «وَمَا لَيْسَ كَذَلِكَ يَسْمِي تَعْزِيرًا».
- ۳- «وَلَوْ ارْتَكَبَ شَيْئًا مِنَ الْمَحْرَمَاتِ غَيْرَ مَا قَرَّرَ الشَّارِعُ فِيهِ حُدًّا عَالِمًا بِتَحْرِيمِهَا لَامْتَحَلًا عَزْرًا».
- ۴- «يَتَحَقَّقُ الزَّنا الْمَوْجِبُ لِلْحَدِّ بِإِدْخَالِ الْإِنْسَانِ ذِكْرَهُ الْأَصْلِي فِي فَرجِ امْرَأَةٍ مُحْرَمَةٍ عَلَيْهِ أَصْلَاهُ مِنْ غَيْرِ عَقْدِ نِكَاحٍ دَائِمًا أَوْ مُنْقَطِعًا وَلَا مُلْكٍ مِنَ الْفَاعِلِ لِلْقَابِلَةِ وَلَا تَحْلِيلٍ وَلَا شَبِهِهِ مَعَ شُرَاطِئِ يَأْتِي بِبَيَانِهَا».
- ۵- تازیانه
- ۶- محصن یعنی مرد زن دار
- ۷- محصنه یعنی زن شوهردار
- ۸- در خصوص شرایط احسان در قسمت مربوط به حد رجم مفصل توضیح خواهیم داد.
- ۹- «الجلد خاصه و هو ثابت علی الزانی غیر المحصن إذا لم یملک أی لم یزوج و علی المرأة العاقله. إذا زنی بها طفل، کانت محصنه أولا و علی المرأة غیر المحصنه إذا زنت».
- ۱۰- «والاحوط حضور طائفة من المؤمنین ثلاثه أو اکثر...».
- ۱۱- «یجلد الرجل الزانی قائمًا مجردًا من ثیابه الا سائر عورته و یضرب اشد الضرب و یفرق علی جسده من أعالی بدنه الی قدمه و لکن یتقی رأسه و وجهه و فرجه و تضرب المرأة جالسه و تربط علیها ثیابها و لو قتلها او قتلها الحد فلا ضمان».
- ۱۲- «الرابع: الجلد و الرجم معًا و هما حد الشیخ و الشیخه اذا كانا محصنین فیجلدان أولًا ثم یرجمان».
- ۱۳- «الخامس الجلد و التغریب و الجز و هی حد البکر و هو الذی تزوج و لم یدخل بها علی الاقرب».
- ۱۴- جز یعنی: چیدن پشم گوسفندان، کنایه از تراشیدن سر
- ۱۵- «للواط وطء الذکران من الأدمی».
- ۱۶- «اما اللواط فهو وطی الذکران بایقاب و غیره».
- ۱۷- «إذا لم یکن الاتیان ایقابًا کالتفخیز او بین الالیتین فحده مأه جلد من غیر فرق بین المحصن و غیره».
- ۱۸- «السحق و هو ذلک فرج المرأة بفرج أخرى».
- ۱۹- «یثبت السحق و هو وطی المرأة مثلها بما یثبت به اللواط...».
- ۲۰- «و الحد فی السحق: مأه جلد حره کانت أو أمه مسلمه او کافره محصنه کانت أو غیرمحصنه للفاعله و المفعوله».
- ۲۱- «إذا تکررت المساحقه مع تخللها الحد قتلت فی الرابعه».
- ۲۲- «سلیمان ابن هلال قال: سأل بعض اصحابنا اباعبدالله علیه السلام، فقال: جعلت فداک، الرجل ینام مع الرجل فی لحاف واحد، فقال: أ ذُو رَجَم؟ فقال: لا، فقال: أمین ضروره؟ قال: لا، قال: یضربان ثلاثین سوطًا و خبر ابن سنان عنه علیه السلام، فی رجلین یوجدان فی لحاف واحد، فقال: یجلدان حدًا غیرسوط».
- ۲۳- «و المجتمعان تحت ازار واحد مثلاً مجردین و لیس بینهما رحم و لا ضروره

تقتضی ذلک یعززان من ثلاثین سوطًا الی تسعه و تسعین سوطًا».

۲۴- «الاجنبیتان اذا وجدتا تحت ازار واحد مجردتین عزرت کل واحدہ دون الحد و الاحوط مأه الا سوطا».

۲۵- «و کذا یُعزَّر من قَبْلَ غَلَامًا لِأَنَّهُ فَعَلَ مُحْرَمًا فَيَسْتَحِقُّ فاعله التعزیر مطلقاً کغیره من المحرمات بل الامر فیہ اکد فقد روی أن: من قَبْلَ غَلَامًا بِشَهْوَةٍ لَعَنَتْهُ ملائکه السماء ملائکه الارضین و ملائکه الرحمه و ملائکه الغضب و اعد له جهنم و ساءت مصیرا و فی حدیث آخر: من قَبْلَ غَلَامًا بِشَهْوَةٍ أَلْجَمَهُ اللهُ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ».

۲۶- «و یثبت ذلک بشهاده عدلین والاقرار».

۲۷- «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ».

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، مترجم، عبدالمحمد آیتی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴
- منابع فارسی (ترجمه شده)
- ۲- ارونسون، البوت، روانشناسی اجتماعی، مترجم حسین شکرشکن، چاپ اول، ویراست ۸، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۶
- ۳- بند ریگی، محمد، منجد الطلاب (فرهنگ لغت)، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
- ۴- خسروی حسینی، سیدغلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵
- ۵- شهری و غیره، غلامرضا، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری، چاپ اول، تهران، روزنامه رسمی، ۱۳۸۶
- ۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ ششم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۰
- ۷- قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱
- ۸- مکارم شیرازی و غیره، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ یازدهم، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱
- منابع عربی
- ۹- ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا
- ۱۰- عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳
- ۱۱- فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، چاپ دوم، قم، مرکز فقه ائمه اطهار، ۱۳۸۵
- ۱۲- محقق حلی، نجم‌الدین، شرایع الاسلام، چاپ چهارم، تهران، استقلال، ۱۳۷۳
- ۱۳- موسوی خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، چاپ دوم، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا
- ۱۴- نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.